

## امریکا و برنامه هسته ای ایران\* Failed States بخشی از کتاب جدید نوام چامسکی؛

به نظر می‌رسد سر و صدای زیادی در باره ایران و برنامه هسته ای اش قریب الوقوع باشد. قبل از ۱۹۷۹، زمانی که شاه در قدرت بود، واشینگتن قویا از این برنامه حمایت می‌کرد. امروز ادعای استاندارد این است که ایران هیچ نیازی به قدرت هسته ای ندارد، و بنابراین شاید یک برنامه مخفی سلاحی را دنبال میکند. هنری کیسینجر سال قبل در واشینگتن پست نوشت " برای یک تولید کننده بزرگ نفت شبیه ایران، استفاده از انرژی هسته‌ای بهر دادن منابع طبیعی است".

سی سال قبل، زمانی که کیسینجر منشی دولت پرزیدنت جerald فورد بود، می گفت " تولید قدرت هسته ای دو امکان برای ایران فراهم می‌کند؛ هم نیازهای رشد اقتصادی ایران را تامین خواهد کرد و هم نفت برای صادرات و یا برای تبدیل به پتروشیمی باقی می‌ماند".

سال گذشته دافینا لینزر از واشینگتن پست از کیسینجر در باره تغییر عقیده‌اش پرسید. کیسینجر طبق معمول با صراحت پاسخ داد: " انزمان آن ها یک کشور متحد بودند".

لینزر نوشت در سال ۱۹۷۶ حکومت فورد " به طرح‌های ایران در ایجاد صنعت کلان انرژی هسته‌ای صحنه گذاشت اما هم چنین سخت برای کامل کردن قرار داد مولتی میلیارد دلاری‌ای که تهران کنترل مقادیر بزرگی از پلوتونیوم و اورانیوم غنی شده - دو معبر به بمب هسته ای- را در دست بگیرد، کار می‌کرد". طراحان سطح بالای حکومت بوش، که اکنون علیه این برنامه‌ها هستند، آن زمان در پست‌های کلیدی امنیت ملی بودند: دیک چنی، دونالد رامزفلد و پاول وولفویترز.

مطمئنا ایرانیان به اندازه غرب مایل نیستند تاریخ رادرباله دان بیاندازند. آن‌ها می‌دانند که ایالات متحده، همراه با متحدانش، ایرانیان را برای بیش از ۵۰ سال زجر داده اند، از زمان کودتای نظامی امریکایی انگلیسی که حکومت پارلمانی را ساقط کرد و شاه را برگرداند، کسی که با دست‌های آهنی فرمانروایی کرد تا این که یک خیزش خلقی او را در ۱۹۷۹ بیرون انداخت.

بعدا حکومت ریگان از تهاجم صدام حسین به ایران حمایت کرد، و به او از نظر نظامی و دیگر نیازهایی که به او در کشتار صدها هزار از ایرانیان ( همراه با کردهای عراقی) کمک کرد، یاری نمود. سپس تحریم شدید پرزیدنت کلینتون، با تهدید حمله بوش به ایران دنبال شد - یک نقض عهد جدی قرارداد سازمان ملل.

ماه قبل حکومت بوش به طور مشروط با پیوستن متحدان اروپایی‌اش در مذاکره مستقیم با ایران موافقت کرد، اما با صرف نظر کردن از تهدید به حمله، عملا هر مقوله نامه ای که از آن بیرون بیاید را در حالیکه با اسلحه تهدید می‌کرد، بی معنی ساخت. تاریخ معاصر دلایل بیشتری را برای بدبینی در رابطه با اغراض واشنگتن بدست می‌دهد.

در ماه مه ۲۰۰۳ بنا به گفته فلینت لورت، در آن زمان یک کارمند ارشد شورای امنیت ملی بوش، حکومت رفرمیست محمد خاتمی " برنامه‌ای را برای پروسه دیپلماتیک که بر آن بود که وسیعا همه اختلافات دوجانبه بین ایالات متحده و ایران را رفع کند، ارائه داد".

ماه قبل تایمز مالی گزارشی داد که شامل بودند بر " اسلحه های انهدام جمعی، یک راه حل دو دولتی برای مشکل اسرائیل- فلسطینی، آینده سازمان حزب اله لبنان و همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی"، حکومت بوش آن را رد کرد و دیپلمات سویسی را که حامل پیشنهاد بود مورد سرزنش قرار داد.

یک سال بعد اتحادیه اروپا و ایران قرار دادی بستند: که ایران موقتا غنی کردن اورانیوم را معوق می-گذارد و در عوض اروپا اطمینان خواهد داد که ایالات متحده و اسرائیل به ایران حمله نخواهند کرد. تحت فشار آمریکا، اروپا عقب نشینی کرد و ایران دوباره پروسه غنی سازی را از سرگرفت.

برنامه هسته‌ای ایران، تا آن جا که می‌دانیم، مطابق است با حقوقش در ماده ۴ قرار داد عدم که به دولت‌های غیر هسته‌ای، حق تولید سوخت انرژی هسته‌ای را اجازه می‌دهد. (NPT) تکثیر حکومت بوش استدلال می‌کند که ماده ۴ باید تقویت شود و من فکر می‌کنم که درست است.

در قدرت آمد، بین تولید سوخت برای انرژی و برای سلاح‌های هسته‌ای NPT سال ۱۹۷۰ زمانی که یک شکاف قابل ملاحظه‌ای وجود داشت. اما پیشرفت در تکنولوژی شکاف را باریک کرد. بهر حال یک چنین تجدید نظری در ماده ۴ دسترسی بی مانع برای مصرف غیر نظامی را، در جهت توافق با قرار بین قدرت‌های هسته‌ای اعلام شده و دولت‌های غیر هسته‌ای تضمین خواهد کرد NPT داد اولیه

در سال ۲۰۰۳ یک پیشنهاد عاقلانه توسط محمد البرادعی، رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی برای پایان دادن به این مساله داده شد: که تولید و توسعه همه مواد قابل استفاده برای اسلحه در کنترل بین المللی قرار گیرد، با " تضمین این که استفاده کننده ها بتوانند فرآورده های {مورد نیاز} خود را بطور مشروع بدست آورند ". او ادعا کرد، برای اجرای تصمیم ۱۹۹۳ سازمان ملل در مورد مواد قابل ،گام اول خواهد بود (Fissban) شکافتن (یا

طرح البرادعی بر اساس اطلاع من، تا به امروز تنها توسط یک دولت پذیرفته شد : ایران - در فوریه، در تأیید شده Fissban یک مصاحبه با علی لاریجانی، رئیس هیات مذاکره کننده ایران. حکومت بوش یک قابل Fissban را رد کرد - و تقریبا تنها ماند . در نوامبر ۲۰۰۴ کمیته خلع سلاح سازمان ملل بر له بررسی رای داد. آرا ۱۴۷ به یک ( امریکا) بود، با دو کشور که رای ممتنع دادند : اسرائیل و انگلیس. Palau سال گذشته یک رای گیری در مجمع عمومی بود ۱۷۹ به دو- آن دو کشور ایالات متحده و بودند ، اسرائیل و انگلیس دوباره رای ممتنع دادند

راه هایی برای تسکین و احتمالا پایان دادن به این بحران وجود دارند. اولین اش متوقف کردن تهدیدهای شدید امریکایی و اسرائیلی که واقعا ایران را وادار به توسعه دادن سلاح هسته ای به عنوان وسیله ایجاد ترس میسازد.

قابل بررسی، مثل طرح البرادعی یا Fissban دومین قدم پیوستن به بقیه جهان با پذیرش یک قرارداد چیزی شبیه آن، خواهد بود

قدم سوم موافقت با ماده ۶ خواهد بود، که دولت های هسته ای را مجبور می‌سازد که واقعا برای محو سلاح های هسته‌ای سعی نمایند، یک التزام قانونی غیر قابل فسخ همان گونه که دادگاه جهانی تعیین می‌کند و هیچ یک از دولت های هسته‌ای بر طبق این موافقتنامه عمل نکرده اند ، اما ایالت متحده نقض آن را هدایت می‌کند

حتی قدم هایی در این جهات بحران های آتی را با ایران تخفیف خواهد داد. بیش از همه توجه به کلمات محمد البرادعی مهم است : " برای این وضعیت، راه حل نظامی‌ای وجود ندارد که غیر قابل اجر است. تنها راه حل بادوام راه حل توافقی بامذاکره است ". و این قابل دستیابی است.

سوء استفاده از قدرت و تجاوز به دموکراسی؛ او استاد زبان Failed States: کتاب جدید چامسکی شناسی و فلسفه در انستیتو تکنولوژی ماساچوست می‌باشد

ناهید روشن، فرخنده تقدسی، یولی

۲۰۰۶

Znet: منبع - \*  
تیترا را ما انتخاب کرده ایم